

# آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۳۴ مهر ۱۳۹۶

ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان

## پیام شاد باش به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی!

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان 76مین سالگرد تاسیس حزب توده ایران را به شما و از طریق شما به همه اعضا و هواداران حزب تبریک می گوید.  
حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان، هم به سبب آرمان های انقلابی و ترقیخواهانه و هم به دلیل مبارزات مشترک، تاریخ پر افتخاری را پشت سر گذاشته اند. بدیهی است که در جشن سالروز تاسیس حزب، ما خود را شریک و همراه شما می دانیم.

ادامه درص ۲

## ایران اسلام شورا مجلسی تورپاق

اصلاحاتی حاقیندا رولو

(۱۹۸۲-۱۹۷۹ جی ایلر)

سلطانعلی میرزه زاده

2- هیسه

کومیسسیاسینین اساس

وظیفه سی اسلام قاید

1- قانونلاری اساسیندا

تورپاق اصلاحاتی

قانون لایحه سی حاضرلاماق ایدی. همین اوچلر کومیسسیاسینین باشچیلیغی آلتیندا هازیرلانمیش لایحه خمینین نظرنه چاتدیریلدیقدان سونرا، ۱۹۸۰-جی ایل آپریل آیینین ۹- دا (۱۴ فروردین ۱۳۵۹-جو ایل) انقلاب شوراسیندا تصدیق اندیلدی.  
قانون لایحه سی اسلام شورا مجلسینین مذاکره سینه وئرلندک، ایلک نوبه ده، تورپاقلار حاقیندا حسابلانما معلوماتلاری توپلاندى. (۱۵)

ادامه درص ۱۱

## به مناسبت یکصدمین سالگرد انقلاب اکتبر

### تأثیر انقلاب اکتبر در ایران



عوامل بسیاری در تاریخ ایران، پای قدرت های بزرگ را به این سرزمین باز نموده است.  
جایگاه ویژه ایران در منطقه و منابع موجود در خاک آن که منافع سرشاری نصیب دولت های خارجی می کرد، از جمله این عوامل بود. در این

میان، روابط ایران با روسیه و بعد از انقلاب اکتبر، شوروی، اهمیت و خصوصیات ویژه ای داشت. قرون 18 تا 20 میلادی و می توان بهتر گفت تا جنگ دوم جهانی، روابط این دو کشور متأثر از بازی های سیاسی ایجاد شده بین قدرت های بزرگ آن روزگار بود.

ادامه درص ۴

آزادی اقوام در روسیه ۱۰ ص

بیانید مثل چگوارا باشیم ۱۳ ص

سخنی چند در باره فن مبارزه ۱۴ ص

78 در صد اعدام های جهان در ۱۸ ص

پیام رضا شهابی از زندان ۱۹ ص

شعر لر تاریئل امید، بالاش آذراوغلو ص ۲۰

## رفراندوم استقلال بر پایه های لرزان اقتصاد

دکتر محمد حسین یحیایی



بعد از مدت ها گفتگو پیرامون استقلال سیاسی در کردستان عراق از سوی برخی از احزاب سیاسی بویژه حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی در روز 25 سپتامبر ( سوم مهرماه )

و هشدار های جهانی از سوی قدرت های جهانی و بازیگران منطقه ای مانند ایران و ترکیه به اجرا درآمد و تعداد کثیری از مردم که از بحران های شدید اقتصادی و سیاسی به ستوه آمده و برای برون رفت از آن به هر ترفندی متوسل می شدند، مورد استقبال قرار گرفت و نزدیک به 93 درصد از شرکت کنندگان در رفراندوم به استقلال رای دادند. ادامه درص ۷

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

پیام شاد باش...

روز دهم مهرماه سال 1320 حزب توده ایران قدم به حیات سیاسی میهنمان گذاشت و از همان روزهای نخست، آشتی ناپذیری خود را با عوامل سیه روزی مردم ایران اعلام داشت. حزب توده ایران فاشیسم و امپریالیسم و ارتجاع را بعنوان دشمنان اصلی تکامل و ترقی و علتهای عمده عقب ماندگی کشورافشا نمود و مبارزه با این نیرویهای ضد مردمی را سرفصل مبارزات خود قرار داد. اهمیت و ماندگاری حزب توده ایران را باید در جهان بینی و برنامه های ترقی خواهانه آن دانست

از ویژگی های منحصر به فرد حزب توده ایران در تاریخ میهنمان میتوان به نکات زیر اشاره کرد:

حزب توده ایران تنها حزب سیاسی کشور بود که به ماهیت نواستعماری امپریالیسم آمریکا آگاه بود. این در حالی بود که آمریکا سعی می کرد خود را مدافع و دلسوز میهن ما جا بزند. حزب توده ایران خصلت غارتگرانه امپریالیسم آمریکا را فاش کرد و آن را شریک امپریالیسم منفور انگلیس در چپاول و غارت میهن ما معرفی نمود. در آن روزها بسیاری از نیروهای مترقی و از آنجمله دکتر مصدق در تشخیص ماهیت امپریالیسم آمریکا دچار اشتباه بودند و قضاوت حزب را در مورد آمریکا باور نداشتند. چنین نیروهائی فقط پس از سالها و با کسب تجارب تلخ به این باور رسیدند.

حزب توده ایران، جامعه ایران را که بر اثر دیکتاتوری بیست ساله رضا شاه دچار سستی و رخوت شده بود به حرکت در آورد. طبقات و قشرهای مختلف مردم بویژه زحمتکشان را متشکل کرد تا برای کسب حقوق سیاسی - اقتصادی و اجتماعی خویش مبارزه کنند.

کارگران و زحمتکشان شهری با یاری حزب توده ایران اتحادیه های سراسری تشکیل دادند و توانستند برخی از حقوق سیاسی - اقتصادی را به دولت بقبولانند.

با طرح مسئله ارضی توسط حزب توده ایران، دهقانان متشکل و موفق به تعدیل بهره مالکانه و بسیاری از زورگویی های مالکان شدند. بخصوص تقسیم زمین در آذربایجان توسط دولت خود مختار آذربایجان زمینه را برای طرح بعضی از خواسته های دهقانان سراسر کشور آماده کرد.

جذب توده ایران از نخستین روزهای پیدایش خود، لزوم وحدت نیروها را در مبارزه خاطر نشان کرد و از تمام نیروهای مترقی و سازمان های دموکراتیک دعوت نمود تا با صرف نظر کردن از برخی اختلافات، با تمرکز بر وجوه مشترک مبارزه، با هم متحد شوند تا شکست دشمن مشترک آسانتر گردد.

این حزب توده ایران بود که برای اولین بار تساوی حقوق زن و مرد را در برنامه خویش گنجانید و در راه تحقق آن از روزهای نخست، مبارزه کرد.

این حزب توده ایران بود که برای اعتلای دانش و فرهنگ، به اقدامات عملی دست زد و با تحریر و ترجمه و چاپ هزاران کتاب و مجله و مقالات علمی - فرهنگی، جامعه فرهنگی کشور را متحول کرد. بسیاری از نامورترین شخصیتهای علمی و فرهنگی و هنری خلقهای ساکن ایران از دامان حزب توده ایران برخاسته و یا با این حزب هم آوا شدند و سالیانی از سالهای آفرینشگری خود را در حزب توده ایران گذراندند.

این حزب توده ایران بود که مبارزه علیه بی عدالتی و فساد را سازماندهی کرد. با افشای فساد در دربار و اطرافیان رژیم و بازاریان و ... آگاهی جامعه را برای مبارزه پیگیر با مفسدان رشد داد.

این حزب توده ایران بود که برابر حقوقی تمامی خلقها و ادیان را اعلام کرد و از حقوق تمامی خلق های ساکن کشور دفاع کرد و در مبارزات خلق آذربایجان و خلق کرد برای رسیدن به حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت ملی شرکت موثر داشت و صد ها نفر از کادرهای نظامی و غیرنظامی آن در این راه جان باختند.

این حزب توده ایران بود که جنبش مبارزاتی زحمتکشان ایران را با جنبش انقلابی زحمتکشان جهان پیوند زد و روحیه انترناسیونالیستی خلق های ایران را اعتلا بخشید.

علی رقم کودتای ننگین 28 مرداد سال 1332 و سرکوب خونین حزب و دیگر نیروهای ملی و مترقی، حزب توده ایران به میثاقی که با زحمتکشان شهر و روستا بسته بود پایبند ماند. در تمام سالهای سیاه بعد از کودتا تا سرنگونی رژیم پهلوی، این حزب به مبارزه و سازماندهی زحمتکشان ادامه داد، و

هرروز بیشتر می شود. کارگران معترض به زندان، شلاق و جریمه نقدی محکوم می شوند. بیش از یازده میلیون مردم برای یافتن کار به حاشیه های شهرهای بزرگ هجوم آورده اند. رشد اعتیاد، فحشا، زنان بی سرپرست، کودکان کار، کارتن خوابی، گور خوابی و دهها معضل اجتماعی دیگر هر روز گسترش می یابد. این در حالی است که به گفته مقامات حکومتی صدها میلیارد دلار ثروت کشور گم شده است. دزدی و غارت در ارگانها و نهاد های رژیم بی داد می کند. فساد در حاکمیت نهادینه شده و هر روز کوس رسوایی یکی دیگر از ارگانهای ظاهر الصلاح به صدا در می آید.

#### رفقای ارجمند!

سالها است که کشور ما نیاز به یک تحول اجتماعی بنیادی دارد. اما رژیم ولایت فقیه که سرنوشتش با غارتگران و نیروهای ارتجاعی گره خورده، مانع از آن است که کوچکترین گامی در جهت خواسته های مردم برداشته شود. حوادث سالهای اخیر بخوبی نشان میدهد که مردم برای برون رفت از این وضعیت ناگوار از کوچکترین روزنه ای استفاده می کنند تا حاکمیت را به عقب نشینی وادارند. مردم نشان داده اند که حاضرند در میدان مبارزه هزینه کنند. اما در غیاب حزب های مردمی و ملی و تشکل های مستقل صنفی، جنبش مردم راه به جایی نمی برد. اصلاح طلبان و معتدلیان بنا بر ماهیت طبقاتی خود نتوانسته اند و نمی توانند بیانگر واقعی خواسته های افشار و طبقاتی باشند که به میدان مبارزه آمده اند. متأسفانه یکی از بزرگترین ضعف های جنبش انقلابی کشورما پراکندگی نیروهای مترقی، ملی و آزادیخواه است. تا زمانیکه این ضعف جنبش بر طرف نشود، نیروهای ضد مردمی در جهت ضربه زدن به جنبش انقلابی خلقهای میهنمان بزرگترین استفاده را میکنند. امروز بیشتر از همیشه نیاز به اتحاد نیروهای انقلابی و ترقی خواه حس می شود. فایق آمدن بر پراکندگی نیروهای ترقی خواه و مردم دوست حول یک برنامه مشترک از اهمیت بالایی برخوردار است. حزب توده ایران بنا بر تجربه تاریخی و مشی انقلابی خود نقش تعیین کننده ای در این امر مهم به عهده دارد. برای اینکه پیگیر ترین حزب سیاسی ایران است که از روز تاسیس خویش، اتحاد همه نیروهای ترقی خواه و میهن دوست را در مقابل دشمن متحد، الزامی میدانند.

گرامی باد خاطره جان باختگان حزب توده ایران و دیگر نیروهای مترقی خلقهای ایران!

فرخنده باد هفتاد و ششمین سالگرد بنیان گذاری حزب توده ایران!

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان- 10 مهرماه 1396

مهر و نشان خود را بر پیروزی انقلاب شکوهمند ضد سلطنتی بهمن 1357 زد.

پس از انقلاب بهمن 1357 نیز حزب توده ایران با تمام نیرو و توان در جهت حفظ و تعمیق دست آوردها و آرمان های مردمی انقلاب مبارزه کرد.

دیری نپائید که انقلاب بهمن و دست آوردهای آن مورد یورش و حشیانه نیروهای واپسگرا و ارتجاعی قرار گرفت. حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی و اتحادیه های کارگری سرکوب و به خاک و خون کشیده شدند. دست آوردهای انقلاب یکی پس از دیگری پس گرفته شد. اصول مردمی قانون اساسی که با تمام کمبودهایش از دست آوردهای انقلاب محسوب می گردید، کنار گذاشته شد. «ولی فقیه» به عنوان نماینده خدا، دست غارتگران و چپاولگران را برای نابودی کشور باز گذاشت. استبداد حاکم گردید. بیکاری، گرانی، اعتیاد و فحشا و دهها معضل اجتماعی دیگر گریبان جامعه را گرفت.

پس از تسلط نیروهای ضد مردمی، این بار نیز حزب توده ایران یکی از بزرگترین و موثرترین نیروهای سیاسی کشور ایران بود که آماج حملات دشمنان قسم خورده مردم ایران قرار گرفت. هزاران نفر از بهترین فرزندان و دانشمندان کشور راهی شکنجه گاههای قرون وسطایی شدند. بسیاری از آنها اعدام و مخفیانه در گورهای دسته جمعی دفن گردیدند.

تجربه تاریخی نشان میدهد که نیروهای ارتجاعی و امپریالیسم جهانی نیک می دانند که بدون گذشتن از سد حزب توده ایران نمی توانند سرنوشت کشور را آنطور که می خواهند رقم بزنند. آنها محو فیزیکی توده ای را کافی نمیدانند. در تمام این سالها تلاش کرده اند با تمام امکاناتی که در اختیار دارند سیمای مردمی حزب توده ایران را نزد مردم دگرگونه نشان دهند. اما حقانیت و رمز ماندگاری حزب توده ایران را باید در پیوند صادقانه آن با خواست برحق توده های مردم، مخصوصاً زحمتکشان کشور دید. با حذف فیزیکی توده ای ها و دروغ پراکنی و اتهام زدن های بی پایه ممکن نیست این حقیقت را پنهان کرد.

بحران ساختاری مدت هاست جهان سرمایه داری را فرا گرفته است. کشورهای همسایه ما در آتش جنگ و نا امنی می سوزند. کشور ما بر اثر سیاست های نادرست رژیم با بحران جدی روبرو است. کارخانه ها و کارگاههای تولیدی یکی پس از دیگری بسته می شوند و یا با ظرفیت کمتری لنگ لنگان ادامه می دهند. بیکاری

به مناسبت یکصدمین....

این بازی های سیاسی گاه دو کشور را به دشمنی خونین تبدیل می کرد و جنگ های مهمی را میانشان رقم می زد و گاه دست دوستی و اتحاد آنان به سوی هم دراز می شد و علیه دولت های دیگر هم پیمان می شدند. دوران حکومت پطر کبیر و سیاست های توسعه طلبانه او برای وارد کردن روسیه به صحنه بین المللی و تبدیل آن به قدرتی در تمامی عرصه ها، نیازمند گسترش مرزهای این کشور بود. این توسعه طلبی ارضی در سرزمین های مجاور از اواخر صفویه آغاز شده بود و اهمیت ایران به جهت موقعیت جغرافیایی و امتیازات بازرگانی خاصی که داشت، در وصیت پطر کبیر مورد تأکید قرار گرفته بود. پطر می خواست تا بر دریاهاى آزاد دست پیدا کند و این نقشه را در چند نقطه دنبال کرد که برخی از آنها با شکست روبرو شد مانند دریای سیاه در آن زمان و برخی نیز مانند سواحل بالتیک به پیروزی او ختم گردید. در زمان کاترین دوم با دستیابی بر دریای سیاه و پیروزی بر عثمانی، روند سیاست های توسعه طلبانه روس ها ادامه یافت. در دوران حکومت الکساندر اول نیز جنگ های طولانی ایران و روسیه و جدایی بخشی از نواحی کشورمان اتفاق افتاد. جنگ های طولانی با روسیه زمانی رخ داد که ایران چیزی حدود یک قرن کشمکش داخلی و خارجی را بعد از فروپاشی صفویه تحمل کرده بود. هزینه سنگین این جنگ ها بیشتر بر دوش مردم آسیب دیده ای بود که چندین دهه ناامنی و درگیری را پشت سر گذاشتند. ایران در طول جنگ های دوره اول با روسیه، نزدیک به دوپست هزار کشته داد. پس از ده سال جنگ اول ایران و روسیه، کلیه میدان های جنگ منظره ای وحشتناک به خود گرفته بود و مردم مناطق جنگی تمام هستی خود را از دست داده بودند. سرزمین هایشان ویران شده بود و امکان فعالیت اقتصادی نداشتند. در طول جنگ های دوره اول سرحدات شمالی ایران دچار قتل و غارت های زیادی شد که تا حدودی می توان گفت که ویرانی و تلفات آن کمتر از مناطق جنگی نبود. دولت های خیره و بخارا از وضعیت سیاسی ایران سوءاستفاده کردند و سواران ترکمن و ازبک را برای غارت و تخریب شمال شرق ایران تحریک نمودند. چندین هزار سوار غارتگر سال های طولانی خراسان را دچار قتل و غارت و ناامنی کردند. بیماری های زیادی نیز در مناطقی که جنگ در

آنها رخ داد، شیوع یافت. از عوامل شکست های ایران برابر روسیه در این دو جنگ، سیاست های استعماری انگلستان بود که برای تأمین منافع خود تلاش می نمود و به صورت پنهانی با روس ها علیه ایران هم پیمان شده بود و در حالیکه به ایران قول حمایت در برابر دولت های متخاصم را داده بود، ایران را در برابر روسیه تنها گذاشت.

همچنین زمانی که روسیه برای اجرای سیاست های توسعه طلبانه خود از سوی بالکان و بعد قفقاز اقدام نمود، اگر میان ایران و دولت عثمانی اتحادی برقرار می شد، از نفوذ روسیه جلوگیری می شد اما کشمکش های مذهبی میان این دو دولت همسایه مسلمان، زمینه را برای دخالت و نفوذ دولت های استعماری انگلیس و روسیه فراهم کرد. ضعف نظامی و فساد دولتی در ایران نیز بر این عوامل می افزود ها موافقت کرد. به این ترتیب دولت روسیه تزاری پا به پای بریتانیا تلاش می کرد تا در مقابل هر امتیازی که انگلیسی ها از ایران می گیرند، آنها نیز امتیاز متقابلی از ایران دریافت کنند و این رقابت تنها به ضرر منابع و منافع مردم ایران شکل می گرفت. تا جاییکه علاوه بر امتیازات تجاری، نیروی دفاعی ایران نیز با تشکیل بریگاد قزاق و رؤسای روس آن در زمان ناصرالدین شاه در اختیار آنها قرار گرفت.

«... و نیرویی که برای حفظ و صیانت کشور از تجاوز اجانب تشکیل شده بود، وسیله مؤثر تحکیم بنیان رژیم استبداد سلاطین و سرکوب افکار آزادی طلبان و مجری اوامر و دستورهای فرمانفرمای قفقازیه و دربار روسیه تزاری شد و بعضی از روسای بریگاد قزاق منجمله لیاخوف در اجرای سیاست ضد آزادی روسیه تزاری و مبارزه با آزادی خواهان ایران نقش بزرگی ایفا کردند» روند اعطای امتیازات به دولت های روس و انگلیس در زمان مظفرالدین شاه نیز ادامه یافت. اوج صف آرایي ها و رقابت های دولت های روس و انگلیس در ایران را می توان قرارداد 1907 میلادی دانست که در زمان امین السلطان در روسیه در یک مقدمه و پنج ماده به امضا رسید و ایران به سه منطقه تحت نفوذ روس ها در شمال، منطقه تحت نفوذ بریتانیا در جنوب و منطقه بی طرف در مرکز تقسیم شد.

ای ایرانیان! به شما قول می‌دهیم که به محض پایان عملیات نظامی، سربازان ما خاک کشورتان را تخلیه کنند و شما مردم ایران حق داشته باشید که آزادانه درباره‌ی سرنوشت آتی خود تصمیم بگیریدید... ۱

رئیس شوراهای کمیسرهای خلق: لنین

کمیسر خلق برای امور ملیت‌ها: استالین»

این اعلامیه نخستین قدمی بود که دولت شوراهای درباره‌ی ایران برداشت و امیدهای فراوانی را در دل‌ها ایجاد کرد. دولت شوروی به منظور جلب دوستی ایران در این یادداشت، کلیه‌ی امتیازات مخالف حاکمیت و استقلال ایران را که در دوره‌ی تزارها به روسیه واگذار شده بود، لغو کرد و به ایرانیان وعده داد که این دولت در اخراج قوای انگلیس و عثمانی از خاک ایران به آنها کمک و از ادعاهای آن کشور درباره‌ی مطالبه‌ی خسارت زمان جنگ پشتیبانی خواهد نمود. دولت شوروی در ادامه‌ی مواضع انقلابی‌اش و تبیین دیدگاه خود درباره‌ی ایران و مردم ایران، سیاست نرمش و ملامت خود را فزونی بخشید، به طوری که در تکمیل بیانیه‌های خود درباره‌ی قراردادهای روسیه‌ی تزاری با ایران، قرارداد ۱۹۰۷ را به صورت رسمی ملغی اعلام کرد.

در این باره تروتسکی، کمیسر خارجی، در قسمتی از نامه‌ی رسمی خود در تاریخ ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ / ۲۴ دی ۱۲۹۶ به سفارت ایران در پترزبورگ اعلام داشت:

«معاهده‌ی ۱۹۰۷ نظر به این که بر علیه آزادی و استقلال ملت ایران بین دولتین روس و انگلیس بسته شده، به کلی ملغی و تمام معاهدات سابق و ناحق آن نیز از درجه‌ی اعتبار ساقط خواهد بود.»

پس از روی کار آمدن «چیچیرین» و قرار گرفتن وی در منصب کمیسر خارجی این اقدامات تداوم یافت. وی در بیست و ششم ژوئن ۱۹۱۹ / ۵ تیر ۱۲۹۸ در نامه‌ای به دولت ایران، کلیه‌ی امتیازات تحصیلی روسیه‌ی تزاری را به صورت یک جا لغو و باطل اعلام کرد. در بخشی از این نامه آمده بود:

«۱- تمام بدهی‌های ایران مطابق تقبلات زمان تزاری الغا می‌شود؛

۲- روسیه به مداخله‌ی خود در عواید ایران از قبیل گمرکات و تلگراف‌خانه‌ها و مالیات‌ها پایان می‌دهد؛

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در همان نخستین روزهای پیروزی، آثار خود را بر ایران گذاشت. در ۱۴ آذر ۱۲۹۶ / پنجم دسامبر ۱۹۱۷، یعنی تقریباً چهل روز پس از وقوع انقلاب و روی کار آمدن لنین، اعلامیه‌ی مهمی خطاب به مسلمانان مشرق زمین از طرف رژیم شوراهای انتشار یافت. بخشی از این اعلامیه‌ی بسیار مفصل که مربوط به ایران است، به شرح زیر است:

«رفقا و برادران!!

در روسیه حوادث بزرگی در حال تکوین و انجام گرفته است. جنگ خونین کنونی (جنگ جهانی اول) که با نیت تجاوز به سرزمین‌های بیگانه و تقسیم خاک ملل دیگر شروع شده، به پایان خود نزدیک می‌شود. دنیای دیگری پا به عرصه‌ی وجود گذاشته است. این دنیا، دنیای رنجبران و ملل آزاد شده است. در پشت سر انقلابی که در روسیه انجام گرفته، حکومتی که مولود اراده‌ی کارگران و دهقانان روسی است، ایستاده است. ای مسلمانان مشرق زمین!! ای ایرانیان! ای ترک‌ها! ای عرب‌ها! ای هندوان! روی سخن ما با شماست: با شما که زندگانی‌تان، جانتان، مالتان و ناموستان قرن‌ها زیر پای غارتگران اروپایی مانده و له شده بود.

ما رسماً اعلام می‌داریم که تمام پیمان‌ها و قراردادهای سری که تزار مخلوع روسیه با انگلستان و فرانسه امضا کرده بود و طبق مفاد آن قرار بود قسطنطنیه (استانبول) پس از خاتمه‌ی جنگ به روسیه داده شود و حکومت مخلوع «کرنسکی» نیز همان قراردادها را تأیید کرده بود، همگی باطل و کان لم یکن و از درجه‌ی اعتبار ساقطند.

جمهوری سوسیالیستی روسیه و حکومت که مجری اوامر آن هاست، یعنی شورای کمیسرهای خلق، هر دو با تصرف خاک دیگران مخالفند، ما رسماً اعلام می‌داریم که قسطنطنیه مال ترک‌هاست و باید مثل سابق در تصرف مسلمانان باقی بماند.

ما رسماً اعلام می‌داریم که عهدنامه‌ها و توافق‌های پیشین روسیه و انگلستان که ایران را میان دو کشور امپریالیست تقسیم کرده بود، باطل و کان لم یکن و از درجه‌ی اعتبار ساقطند (قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵)

جریان مذاکرات بین آلمان و شوروی که در منطقه‌ی برست لیتوفسک انجام شد و منجر به عقد «پیمان برست لیتوفسک» بین دو کشور گردید، تروتسکی مطالبی را درباره‌ی حقوق ملت ایران به طرف مذاکره کننده‌ی آلمانی خود عنوان کرد. کمیسر امور خارجی‌های اتحاد جماهیر شوروی اظهار داشت که «مشارالیه مایل است مظالمی که از طرف حکومت سابق روسیه به ایران بی‌طرف وارد آمده، مخصوصاً مورد توجه قرار داده و در جبران آنها اقدام نماید.»

«فون کولمان» وزیر امور خارجی‌های آلمان، در پاسخ گفت: «دول اروپای مرکزی همواره با یک صمیمیت مخصوصی خواهان آزادی ملت قدیم‌التمدن ایران بوده و هیچ آرزویی ندارد جز این که ایرانیان در آتیه از فشارهای خارجی رهایی پیدا کرده و تمدن خود را آزادانه تعقیب نمایند.»

در پی تلاش سفیر و کارکنان سفارت ایران در روسیه و مذاکره با مقامات روسی و آلمانی، حقوق و استقلال ایران در قراردادهای مربوط به متارکه‌ی جنگ و برقراری صلح بین روسیه و آلمان، برست لیتوفسک ۱۹۱۸، تضمین شد. ۴

پس از امضای قرارداد برست لیتوفسک، تروتسکی مفاد قرارداد را به اطلاع کاردار ایران در پتروگراد رسانید. در ژانویه‌ی همان سال تروتسکی برنامه‌ی پنج ماده‌ای حکومت شوروی برای تخلیه‌ی قشون روس از خاک ایران را در روزنامه‌ی «شورای کارگران و سربازان» انتشار داد. براساس این برنامه، بلشویک‌ها تصمیم گرفته بودند که افسران روس لشکر قزاق را نیز به روسیه احضار کنند.

انقلاب ۱۹۱۷ روسیه دوره‌ی جدیدی از روابط میان دو کشور ایران و روسیه پدید آورد که تأثیرات فراوان فکری بر جامعه‌ی ایرانی داشت و ناآرامی انقلاب اکتبر با واکنش رقبای آنها مانند انگلیس همراه گردید. لنین درصدد بود زنجیری را که سرمایه‌داری به دور کره زمین بسته است با شکستن حلقه‌های آن از میان ببرد. یکی از حلقه‌های سرمایه‌داری، ایران بود که روسیه پس از انقلاب به دنبال تقویت نیروهای ملی آن در برابر امپریالیسم انگلیس بود.

این انقلاب در ایران اثرات غیرقابل انکاری گذاشت. عده‌ای از آن به معجزه‌ای سیاسی یاد کردند که ارتش روسیه را از چند کیلومتری پایتخت ایران، عقب‌نشاند و حکومت ایران را

۳- دریای خزر برای کشتیرانی در زیر پرچم ایران آزاد اعلام می‌شود؛

۴- سرحدات شوروی با ایران مطابق اراده‌ی سکنه سرحدی معین خواهد شد؛

۵- تمام امتیازات دولت روس و امتیازات خصوصی باطل و از درجه‌ی اعتبار ساقط است؛

۶- بانک استقراضی ایران با تمام متعلقات، ملک ایران اعلام می‌شود؛

۷- خطوط تلگراف و راه‌های شوسه‌ی ساخته شده در طول جنگ به ملت ایران واگذار می‌شود؛

۸- اصول محاکمات و قضاوت سابق کنسول‌ها کلاً باطل می‌شود؛

۹- میسیون روحانی ارومیه منحل می‌شود؛

۱۰- تمام اتباع روسیه‌ی متوطن در ایران مکلف هستند کلیه‌ی عوارض و مالیات‌ها را بلسویه با اهالی تأدیبه نمایند؛

۱۱- سرحد ایران و روس برای عبور آزاد و حمل مال‌التجاره باز می‌شود؛

۱۲- به ایران اجازه‌ی ترانزیت مال‌التجاره از روسیه داده می‌شود؛

۱۳- دولت روسیه از هرگونه مشارکت در تشکیل قوای مسلح در خاک ایران صرف‌نظر می‌نماید؛

۱۴- دولت روسیه به ملغی شدن کارگزاری‌ها رضایت می‌دهد؛

۱۵- به ایران اجازه داده می‌شود که در کلیه‌ی شهر و بخش‌های شوروی کنسول تعیین نماید. ۲»

در این بیانیه ضمن حمایت و اعلام مساعدت حکومت انقلابی نسبت به اتحاد علیه استعمارگران، وعده داده می‌شود که به محض پایان عملیات نظامی در صحنه‌های جنگ، نیروهای نظامی روسی به سرعت از ایران خارج شوند. پس از آنکه شورای انقلاب تصمیم به متارکه در جنگ جهانی اول گرفت، لئون تروتسکی، کمیسر خارجه در نامه‌ای به سفارتخانه‌های دول متفق این موضوع را به اطلاع آنها رساند. بر همین اساس و در قدم اول دول متحد، مذاکرات خود را با بلشویک‌ها در مورد عقد قرارداد صلح آغاز کردند. در

## رفراندوم استقلال....

برزنگی در شهر سلیمانیه دولت مستقل کردستان را بر پا کرد که این بار انگلستان به کار زارش آمد و با حمله هوایی آن را نابود کرد و شیخ محمود را به هندوستان تبعید نمود، در سال های بعد بار دیگر شیخ احمد و ملا مصطفی بارزانی به شورش دست زدند که از سوی انگلستان باز هم سرکوب شدند، در نتیجه رهبری این شورش ها هم همراه با تعدادی از دوستان خود به ترکیه پناهنده شدند. اوایل دهه 30 عراق با نظام سلطنتی و موروثی به استقلال رسید (1932 به به عضویت جامعه ملل درآمد)، در سال 1933 فیصل سلطان ( شاه ) عراق در گذشت و پسرش قاضی با عفو عمومی زمام امور را در دست گرفت و بارزانی ها همراه با رزمنده هایشان به عراق بازگشتند.

دهه 30 که با رشد ناسیونالیسم در غرب ( آلمان—ایتالیا ) همراه بود در منطقه هم تاثیر خود را گذاشت، در عراق تعدادی از افسران جوان به تبلیغ ناسیونالیسم عربی پرداختند و فشار زیادی به جنبش کرد ها وارد کردند و با کودتای نظامی در سال 1936 کنترل نظام سیاسی عراق را در دست گرفتند، با آغاز جنگ دوم و مداخله نیرو های متفق بویژه اتحاد شوروی در ایران زمینه جمهوری مهاباد به رهبری قاضی محمد فراهم آمد ( این جمهوری همکاری نزدیکی با جنبش 21 آذر در آذربایجان برقرار کرد )، ملا مصطفی با پیوستن به شاخه نظامی این جنبش درجه ژنرالی گرفت و مبارزه نظامی را پیش برد. در مدت کوتاهی این جمهوری تازه تاسیس با شکست روبرو شد و ملامصطفی به عراق بازگشت و با شرایط نوبنی در عراق روبرو شد در نتیجه همراه با تعدادی از دوستان و رزمندگان خود به شوروی مهاجرت کرد. تا پایان دوران استالین در ازبکستان زندگی کرد و با اصرار و پافشاری فراوان به دیدار خروشچف رفت و در پی دیدار در مسکو ساکن شد، در این مدت با تاثیر پذیری از نام حزب دمکرات کردستان ایران، به سازماندهی حزب دمکرات کردستان عراق پرداخت. با کودتای 14 جولای عبدالکریم قاسم در سال 1958 که نظام سلطنت را بر افکند و رابطه نزدیکی با شوروی آغاز کرد، ملامصطفی به عراق باز گشت و همکاری با دولت کودتا را پذیرفت و در در سرکوب ترکمن ها و کرد های ناراضی در منطقه بویژه در کرکوک شرکت

پروسه استقلال از سال ها پیش آغاز شده بود و برخی از سیاستمداران و پژوهشگران جامعه کردستان عراق بر این باور بودند که تاریخ توافقنامه « سایکس - پیکو » که در فوریه 1916 بین مارک سایکس انگلیسی و جورج پیکو فرانسوی برای تقسیم سرزمین های امپراتوری عثمانی بین خود، که در جنگ اول شکست خورده و رو به زوال نهاده بود، به پایان رسیده و تغییرات در جغرافیای سیاسی منطقه اجتناب ناپذیر است، بنابراین با مداخله نظامی ایالات متحده در منطقه زمینه های این تغییر فراهم آمد ولی ترکیب حکومتی در عراق بویژه قانون اساسی فدرال که از سوی کارشناسان آمریکایی تهیه شده و مورد توافق طرفین قرار گرفته بود، مانع از آن می شد که این جدایی بیشتر ها اتفاق بیافتد و رفراندوم استقلال اجرایی شود، در این میان بهره گیری اقتصادی منطقه کردستان بویژه رهبران سیاسی و عشایری هم مانع از پیشبرد استقلال می شد، بنابراین تا روزی که منافع اقتصادی رهبری احزاب بویژه خاندان بارزانی تامین می شد دیگر نیازی به همه پرسی احساس نمی شد و گاهی اعتراض کارمندان دولت اقلیم ( که ماه ها حقوق نگرفته و در فقر مطلق به سر می بردند ) و یا روشنفکران و روزنامه نگاران که بعد از سال های سرکوب در دوران خفقان صدام به آزادی نسبی رسیده، و بحران های اقتصادی و اجتماعی جامعه را مطرح می کردند، یا به شدت سرکوب می شدند و یا مجبور به سکوت و دست کشیدن از فعالیت های اجتماعی و فرهنگی می شدند، این در تمام دوران ریاست بارزانی ادامه داشت و با بحران اقتصادی تشدید می شد.

مردم کردستان، پراکنده در سرزمین وسیع و گسترده در جغرافیای منطقه همواره در آرزوی آزادی و استقلال مبارزه کرده، گاهی جنگیدند و گاهی هم راه مذاکره و گرفتن امتیاز شدند، ولی در همه این مدت گرفتار در چمبره سنت (باقت جان سخت فبیله ای و عشیره ای ) مبارزه خود را پیش بردند، از آن رو هم پیروزی چشمگیری که بتواند سرنوشت ساز باشد به دست نیآوردند. نخستین جنبش کرد ها در سال 1914 از سوی شیخ عبدالسلام بارزانی آغاز شد که دولت عثمانی آن را به سرعت سرکوب کرد، در سال 1919 شیخ محمود

اسلامگرایان شیعه را بر مسند قدرت بنشانند، زمینه فعالیت های سیاسی و اقتصادی احزاب کرد هم فراهم آمد. در این راستا قانون اساسی فدرال عراق را آمریکایی ها آماده کردند که رابطه نزدیکی با بارزانی و شرکت های نفتی داشتند، در نتیجه قانون اساسی فدرال عراق بگونه ای تنظیم شده است که دولت های فدراتیو با برپایی دولت «دوفاکتو» راه استقلال را باز می کنند، آنان نه تنها حق فروش منابع اقتصادی خود را دارند بلکه با کشور های دیگر پیمان های سیاسی، نظامی و اقتصادی منعقد می کنند ( ایالات متحده در سال 2016 توافق نامه نظامی با کردستان امضاء کرد )، مرز ها و گمرکات را کنترل و اداره فرودگاه ها را در دست دارند، همراه با آن، رخداد های چند سال اخیر هم که با تشکیل دولت اسلامی داعش همراه بود، از یک سو، ترکیب جمعیتی منطقه را به نفع کرد ها بهم زد و از دیگر سو نیرو های نظامی اقلیم خود مختار کردستان را تقویت کرد. در این سال ها هزاران جوان کرد به صفوف پیشمرگه های حزب دمکرات پیوسته و آموزش نظامی دیده اند که گاهی مربی آنان خارجی با اهداف سیاسی در دراز مدت بودند. بنابراین نیرو هایی از برون به حمایت آشکار و پنهان از بارزانی پرداخته و ایشان را به برپایی و برگزاری فرماندوم استقلال تشویق کردند..

حق تعیین سرنوشت از یک صد سال پیش مورد تائید نهاد های بین المللی و کنوانسیون های گوناگون جهانی قرار دارد، ماده 2 از منشور سازمان ملل متحد و کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن را به رسمیت شناخته و در سال 1966 آن را مصوب کرده است، بنابراین نمی توان با ملتی ( دارای سرزمین، تاریخ و فرهنگ، خواست و اراده مشترک ) که خواهان حق تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اند مخالفت کرد ولی باید پیش از همه پرسی استقلال، زمینه های اقتصادی اجتماعی آن فراهم شود و نیروی رهبری که آن را اداره می کند صلاحیت پیشبرد پروسه استقلال را داشته باشد.

سال ها است بارزانی اقلیم کردستان را اداره می کند، میلیارد ها دلار پول و ثروت به این منطقه سرازیر شده است، با قرارداد و فروش نفت ( 650 تا یک میلیون بشکه در روز ) از طریق خط لوله کرکوک، یوموتالیک به پایانه جبهان در

کرد. این همکاری عمر طولانی نداشت و بار دیگر زمزمه خود مختاری در فضا پیچید و به مبارزه مسلحانه انجامید.

در سال 1963 عبدالسلام عارف، قاسم را از میان برداشت ولی خود در یک حادثه هوایی کشته شد و برادرش عبدالرحمان عارف قدرت را در دست گرفت و باب مذاکره را با کرد ها باز و آغاز کرد و با توافق 12 ماده ای برخی از خواسته های آنان را در راستای خودمختاری پذیرفت ( زبان کردی و تدریس آن را در مدارس به رسمیت شناخت، و... ) ولی تشنج و تنش در ارتش و آغاز جنگ با اسرائیل مانع از اجرای آن شد، در سال 1968 افراد حزب بعث با یک کودتای خزنده حسن البکر و معاونش صدام حسین را جایگزین عارف کردند. در نتیجه بار دیگر تبلیغات گسترده عربی و ناسیونالیستی آغاز شد و مبارزه با کرد ها ابعاد وسیعی به خود گرفت، این بار با استفاده از ابزار سیاسی و روانی و شکاف انداختن در بین آنان، گاهی با حمایت از طالبانی و گاهی دیگر از بارزانی تخم نفاق گسترده تا مانع از اتحاد آنان شوند، حمایت شوروی ها از بارزانی از یک سو و صعود صدام به راس قدرت از سوی دیگر زمینه گفتگو را فراهم کرد و بار دیگر یک توافق 15 ماده ای در 11 مارس 1970 آماده شد که در آن خود مختاری در ابعاد وسیعی پیش بینی شده بود ( زبان و تدریس زبان کردی در مدارس و ادارات، پلیس و نیرو های انتظامی از کرد ها، استفاده از منابع اقتصادی به صورت عادلانه، همراه با تهیه قانون اساسی که در آن حقوق کرد ها قید شده و معاون رئیس دولت از کرد ها انتخاب شود ) ولی با قدرت گیری صدام و توافق الجزایر با ایران این توافق به اجرا در نیامد و بارزانی بار دیگر مجبور به مهاجرت شد. در همه سال هایی که صدام با دست آهنین، نظام سرکوبگر و خفقان آور بر عراق حاکم بود، سخنی از جنبش کرد ها در میان نبود، تا جائیکه در جنگ ایران و عراق کاربرد سلاح های شیمیایی هزاران کرد را کشت و ده ها روستای کرد نشین را نابود کرد. از ابتدای سال های نخست دهه 90 که ایالات متحده به بهانه حمله عراق به کویت وارد منطقه شد و جنگ با صدام را به بهانه گسترش سلاح های کشتار جمعی آغاز کرد و به شخم زدن زیر ساخت های عراق پرداخت تا بنام گسترش دمکراسی



« آشتی هورامی » وزیر نفت کردستان با نگرانی از بحران رو به گسترش اقتصادی در منطقه می گوید: بغداد سالانه 15 تریلیون دینار برای اقلیم بودجه می فرستاد ولی هزینه دولت اقلیم بیش از 18 تریلیون دینار است که باید بقیه را از بانک ها و یا شرکت های سرمایه گذاری تامین کرد، این بدهی هر روز رو به افزایش است، هم اکنون این بدهی ( تا پایان 2016 ) از مرز 28 میلیارد دلار گذشته و « عبدالستار مجید » وزیر کشاورزی با تائید آن پیش بینی می کند که در آینده نزدیک به 35 میلیارد دلار می رسد، بنابراین کردستان در شرایطی به سوی استقلال پیش می رود که نوزادان هم با بدهی چشم به جهان می گشایند و این درحالی است که تعدادی از رهبری اقلیم در کشور های دیگر سرمایه گذاری کرده و در شهر هایی مانند « قاضی آنتب، مرسین و استانبول » ترکیه ساختمان سازی می کنند. در این میان « قیاد طالبانی » معاون نخست وزیر می گوید: تهدید واقعی برای کردستان بحران اقتصادی است که آن به مراتب از تهدید داعش بدتر است و ادامه می دهد: کارمندان گاهی تا 5 ماه حقوق دریافت نکرده و برخی از کارکنان امنیتی با دریافت مبلغی با گروه های تروریستی همکاری می کنند. بحران اقتصادی به قدری گسترده و رو به افزایش است که هزاران جوان با درک و قبول خطر در مسیر راه، خود را به اروپا می رسانند. بنابراین به نظر می رسد که بارزانی برای پیشگیری از خیزش همگانی مجبور به پذیرش رفراندوم شده تا فرصت دیگری بدست آورد و جامعه را با شوک درمانی و هیجان آفرینی آرام سازد و باب مذاکره را با بغداد باز کند، هر چند در چند روز گذشته پول ملی کردستان را با نام « دراو » چاپ کرده و آرم بانک مرکزی کردستان هم که یکی از علائم مهم در راستای استقلال است، در آن نقش بسته است....

مرسین میلیارد ها دلار وارد این منطقه شده است، در صنعت نفت آن با ذخائر بیش از 45 میلیارد بشکه، شرکت های بزرگ نفتی مانند توتال، شورون، اکزون موبیل و... شرکت دارند. اقلیم کردستان بیش از 78 هزار کیلومتر مربع ( همراه با کرکوک که مورد اختلاف است) مساحت دارد، بخشی از آن کوهستانی و بخش دیگری جلگه و قابل کشاورزی است، هنوز بعد از گذشت نزدیک به سه دهه 80 تا 90 درصد از مایحتاج آن از خارج وارد می شود که 80 درصد آن را ترکیه و 20 درصد باقی مانده را ایران در اختیار دارد.

ایران و ترکیه خواهان کاهش صادرات به این منطقه نیستند، « زیبک » وزیر اقتصاد ترکیه می گوید: ما بیش از 8 و نیم میلیارد حجم تجاری با اقلیم کردستان داریم که حاضر به از دادن آن نیستیم، هرچند اردوغان سخن از تحریم و بازکردن مرز دیگری ( جایگزین کردن اووا کوی بجای هابور ) به میان می آورد ولی هنوز اقدامی در این راستا صورت نگرفته است، از دیگر سو « حمید حسینی » دبیر اتاق بازرگانی مشترک بین عراق و ایران هم به خبرگزاری فارس می گوید: ما بدنبال توسعه روابط اقتصادی هستیم و اصرار داریم که به دنبال مسائل پیش آمده در اقلیم کردستان روابط اقتصادی دچار مشکل نشود، روزانه 2 هزار کامیون از اجناس، سوخت و گازوئیل به عراق صادر می شود که 500 تا 600 تا از این کامیون ها به منطقه اقلیم است، اقلیم با 2 میلیارد دلار بازار مهمی است بنابراین به نظر نمی رسد که اقلیم کردستان از سوی این دو کشور تحریم شود ولی این شرایط کمکی به استقلال سیاسی کردستان با این ساختار سیاسی و اقتصادی نمی کند، زیرا شرط نخست استقلال، بنیان های قدرتمند اقتصادی و نهاد ها و تشکل های مستقل سیاسی است .

**فرقه دموکرات آذربایجان پروسه های منطقه ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می دهد.**

**پیشه وری**

## آزادی اقوام در روسیه

1- استفاده از جایگاه و ظرفیت فرهنگ برای اتحاد اقوام: دولت روسیه به حقوق اقوام توجه ویژه‌ای دارد و همواره تاکید می‌کند که در مدارس زبان مادری در کنار زبان روسی تدریس شود و دانش‌آموزان در کنار تاریخ روسیه، سرگذشت قوم خود را نیز مورد مطالعه قرار دهند. از همین رو کرملین تاکید دارد که زبان روسی به عنوان زبان دولتی و زبان تعاملات بین اقوام است و حتما باید به آن توجه داشت، اما از سوی دیگر زبان مادری را نیز به هیچ عنوان نمی‌توان نادیده گرفت، چرا که زبان‌های اقوام روسیه بخش جدایی‌ناپذیر فرهنگ ملیت‌های این کشور است.

2- تخصیص بودجه و پیگیری مطالبات اقوام: چهار سازمان بر موضوع اقوام در روسیه تمرکز دارند: نخست شورای روابط بین اقوام است که شخص رییس‌جمهور ریاست آن را بر عهده دارد. همچنین آژانس فدرال، کمیته امور اقوام در پارلمان و شورای اقوام روسیه از دیگر نهادهایی هستند که وضعیت و مطالبات اقوام را مورد بررسی قرار می‌دهند.

جالب است بدانید که رییس‌جمهور هر ساله جایزه‌ای به مبلغ دو و نیم میلیون روبل به منظور تحکیم وحدت میان اقوام اعطا می‌کند که البته نامزدهای دریافت این جایزه می‌توانند یک استاد دانشگاه یا از بین آکادمیسین‌های روسیه، منتخبین در حوزه علوم اجتماعی و علوم تاریخ و زبان‌شناسی، شوراهای علمی و دانشمندان سازمان‌های فرهنگی، علمی و آموزشی فعال در حوزه روابط بین‌الملل، سازمان‌های خودمختار قومی- فرهنگی و تشکلهای قومی سراسری روسیه باشند که در حوزه تقویت اتحاد اقوام روسیه فعال هستند.

3- آزادی تریبون برای اقوام: اگر اخبار فدرال جامعه روسیه را دنبال کنید، حتما هر هفته به چندین گزارش از نشست‌ها و کنفرانس‌ها در دانشگاه‌ها، انستیتوها، اتاق‌های اجتماعی مناطق و دیگر سازمان‌ها و نهادهای فدرال با موضوع اقوام برخورد خواهید کرد که طی آن فعالین اجتماعی به تبادل نظر و آسیب‌شناسی اقوام در منطقه خود می‌پردازند. بدون شك این میزان برنامه‌ها سبب می‌شود که اگر مشکلی وجود دارد بهنگام، تبیین و بررسی شود تا در آینده به یکباره به صورت اعتراض‌های اجتماعی به مرز انفجار نرسد. باید توجه داشت روسیه میان خاورمیانه و جامعه غرب است، اما در خصوص آزادی‌های قومی به جرات می‌توان گفت که از جمله کشورهای پیشگام است.

منبع: اعتماد/احمد و خشیته

چند سال پیش ولادیمیر پوتین در گفت‌وگویی به ویژگی و خصوصیات مردم روسیه اشاره کرد و معتقد بود که این کشور را کسی نمی‌تواند با عقل درک و با معیارهای معمولی اندازه‌گیری کند، چرا که فرهنگ روس‌ها از لایه‌های مختلف و متنوع برخوردار است و اگر کسی می‌خواهد این کشور را لمس کند، باید باله‌های کلاسیک تماشا کند، چایکوفسکی گوش دهد و تولستوی، چخوف، گوگول و... بخواند.

در کنار اینها اما مهم‌ترین راه، صحبت کردن با مردم روسیه است و آن هنگام خواهید فهمید که روس‌ها اصلا پیچیده نیستند. در گپ‌وگفت با افراد از قومیت‌های مختلف و به خصوص در شهرهای گوناگون روسیه به خوبی نوع نگرش اقوام مختلف به یکدیگر را در خواهید یافت و اگر کمی دقیق‌تر شوید حتما متوجه تفاوت سلیقه‌ها و بعضا نگاه‌های از بالا به پایین برخی نسبت به قومی دیگر خواهید شد. این موضوع در همه جوامع کم یا زیاد وجود دارد، اما هنگامی که با کثرت اقوام روبه‌رو می‌شویم، اگر سیاست‌گذاری صحیحی تدوین و اعمال نشود، می‌تواند خطرات زیربنایی عمیقی داشته باشد که آثار آن برای همیشه در تاریخ و فرهنگ یک ملت حک شود.

یک پرسش اصلی در رابطه با هر ملتی وجود دارد: «چه چیزی ما را متحد می‌کند؟» به این سوال از جنبه‌های مختلف می‌توان پاسخ داد؛ برخی دولت‌ها ترسیم یا وجود یک دشمن واحد را اتحاد بخش یک ملت می‌دانند و برخی دیگر توسعه اقتصادی؛ به نظر می‌رسد که روس‌ها برای پاسخ به این پرسش اساسی ضمن تاکید بر هدفی مشترک، تساهل و تسامح میان اقوام را عامل اتحاد جامعه و ملت روسیه می‌دانند و با تکیه بر همین اصل، دولت همواره درصدد است مردم را از سیاست‌زدگی دور نگه دارد و جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی آنها را پررنگ‌تر کند. فضای جامعه روسیه به گونه‌ای است که کمترین نگرانی شهروندان در رابطه با موضوعاتی نظیر محدودیت در حقوق مدنی، دموکراسی و آزادی بیان است (4 درصد). برآیند این عوامل سبب شده است تا امروز تنها هفت درصد جامعه موضوع اقوام را به عنوان یک خطر احساس کنند؛ حال آنکه 17 درصد در سال 1999 این موضوع را یک خطر می‌دانستند. اگر بخواهیم مهم‌ترین رفتار و سیاست‌گذاری‌های دولت در خصوص وحدت اقوام را بررسی کنیم، سه عامل دارد:

ایران اسلام شورا....

همین قانون لایحه سی ۱۹۸۰- جی ایلین آوقوست آییندا (۱۳۶۰- جی ایلین شهریورینده) مجلسین مذاکره سیندن کئچه رک تورپاق اصلاحاتی قانونو آدی ایله قبول اولوندو و بو قانون اصلاحات قانونو کیمی یرلرده حیاتا کچیریلمه سی قرارا آلیندی. بونونلا علاقدار اولاراق، یعنی تورپاق بولگوسو ایشیله مشغول اولماق اوچون ۷ نفرلیک کومیسسیا یارادیلدی. (۱۶) قانونا گوره بو کومیسسیانین ترکیبی: ۱ نفر اسلام قوروجولوق تشکلاتیندان، ۲ نفر کند تصروفاتی نازیرلیندن، ۱ نفر داخلی ایشلر نازیرلیندن، ۱ نفر عالی روحانیت طرفیندن، ۲ نفر کندين باش موللاسی طرفیندن تعیین اندیلیمیش نماینده دن عبارت اولمالی ایدی. او زامان قانون طرفیندن بو کومیسسیانین اؤده سینه چوخ موهوم وظیفه لر قویولموشدور. کومیسسیانین اساس وظیفه سی عمومی اولکه میقیاسیندا تورپاق ساحه لرینین مقدارینی، نوونو، آیری- آیری آداملارین الینده کی تورپاقلارین مقدارینی، تورپاقسیز و آز تورپاقلی کندلیلرین و اونلارین عائله عضولرینین سایینی، تورپاقلارین مونبیتلینینی و محسولدارلیق درجه سینی، سو منبه لرینی و اونون تقسیماتینی و سایره بو کیمی مسئله لری معین اتملیدی. بوتون بونلارین دقیق موبینلشدیریلمه سی پرسونسینده بؤیوک اهمیت کسب اندیردی. چونکی ایلك نؤوبه ده، بو تدبیرلرین گؤرولمه سی اصلاحاتین دوزگون و عدالتلی آپاریلماسینا تعمینات اولما بیلردی. دئمک اولار کی، سادالانان بو تدبیرلر اصلاحاتین ایلك مرحله سینده بئرینه بئتیلمیشدی. یعنی حسابالما ایشلری باشا چاتدیریلیمیش و اصلاحات کومیسسیاسینا تقدیم اولونموشدو.

تورپاق اصلاحاتی قانونونا گوره، اصلاحاتین ایلكین مرحله سینده تورپاق ساحه سی ۵۰۰ هکتاردان چوخ اولان مولکه دار و فنودالارین تورپاقلارینین آلینیب، کندلیلر آراسیندا اوضسیز اولاراق پایلانماسی نظرده توتولوردو. ۵۰۰ هکتاردان آرتیق تورپاغی اولان شخصه عائله سینین تعمیناتی اوچون لازیم گلن مقداردان اوچ دفعه آرتیق تورپاق ساحه سی الده ساخلاماق ایختیاری وئرلیردی. اگر مولکه دارین الینده ساخلدیغی تورپاق ساحه سینی بیلاواسطه اوزو و عائله عضولری اکیب بنجرمزه، اونداه، همین تورپاق ساحه سی بئر دفعه ده آزادلیغی و یئنی ساحه استفاده سیز قالارسا،

مصادره اولونوردو. تورپاقدا باشقا شخصین امینی استسمار ائتمک و یا اونو کیمسه به ایجاره به وئرمک قانونلا قاداغان اندیلیردی. قانوندا اصلاحاتین ایکنجی مرحله سی مقداری ۵۰۰ هکتاردان آز اولان تورپاق ساحه لرینی احاطه ائدجک ایدی.

مجلسین تورپاق اصلاحاتی قانونونا اساساً، اولکه ده موجود اولان تورپاقلار کئیفیتینه، محسولدارلیغینا و صاحبکارلیق فورماسینا گوره ۴ قروپا بؤلونوردو:

۱- آ. موات تورپاقلار - ایستیفادهسیز تورپاقلار.

۲- ب. موسادیره اولونموش تورپاقلار.

۳- ج. دینجه قویولموش و یا «بایئر» آدلانان تورپاقلار.

۴- د. حال-حاضرده اکیلن و یا «دایئر» آدلانان تورپاقلار.

(۱۷)

آ- بندینه داخل اولان، یعنی «موات» تورپاقلار تاریخاً ایستیفادهسیز قالمیش «یارارسیز» تورپاق ساحه لریدیر کی، اونون اساس صاحبی دؤلت اولسا دا، بو تورپاقلار بئر چوخ حاللاردا مولکدار، مقام صاحبلی، تاجیرلر و شیرکتلر طرفیندن اوزباشینا توتولموش و مختلف مقصدلر اوچون استفاده اولونموشدور.

اصلاحات قانونوندا گؤستریر کی، تورپاقلار یئرلرده تورپاقسیز و تورپاقلی کندلیلرین صرنجامینا قویولمالیدیر کی، اونلار دولتین یاردیمی ایله بو ساحه لری اکین اوچون یارارلی وضعیته سالما بیلسیلر «موات» تورپاقلارین کندلیلرین عمومی استفادسینه وئرلمه سی ایشین بئر جهتیدیرسه، ایکنجی باشلیجا جهتی بو تورپاقلاری کندلیلره دولت طرفیندن هرطرفی مادی کؤمک، توخوم، کیمیوی کوبره لر، کند تصروفاتی ماشینلاری و سایره آقروتخنیکی یاردیمین تشکیلی مسئله سیدیر. «موات» حسابینا تورپاق آلمیش کندلیلره هرطرفی دولت یاردیمی گؤستریلیردیسه، بو بئر طرفدن اکینه یارارلی تورپاق فوندونون آرتماسینا، دیگر طرفدن کند تصروفاتی محسوللاری بوللوغونون یارادیلماسینا کؤمک اولاردی.

تورپاق اصلاحاتی قانونون «ب» بندینه عائد اولان تورپاقلار شاها، سارایا یاخین آداملارا، همچینین خلقه خیانت ائتدیکلرینه

کشیکچیلرینه، انقلاب کمیته عضولرینه و دولت مأمورلارینا وئرلمیشدیر کی، بو دا بیر نؤو خدمته گؤره وئرلین تورپاق ساحه‌سینین تیول فورماسینی خاتیرلادیر.

بیری گلمیشکن قید ائدک کی، «ج» و «د» بندلرینه عائیذ اولان کوللی مقدار تورپاق ساحه‌سی فئودال و مولکدارلار طرفیندن اونا گؤره اکیلیمیش کی، اونون صاحبینین بو تورپاغین محصولونا نه اوندان الده ائدیلن گلیره احتیاجه یوخدور، هم ده محصول بوللوغو یارانماسینا راضی دئییلدیر. «د» بندینه داخل اولان و «دایئر» آدلانان تورپاق ساحه لرینین اوزرینده صاحبکارلیق ظاهراً حقوقی جهندن قانونا اویغوندور. لاکن صاحبکار اونو اکیدریر، بیچدیریر، اوزو و یا عائله عضولری هنج بیر ایشده اشتراک ائتمه دیی حالدا، الده ائدیلمیش محصولون چوخ حیسه سینی منیمسه بیر کی، بو دا نه شریعت و نه ده حقوقی جهندن قانونی دئییلدیر. گؤرونویو کیمی، «ج» و «د» بندلرینه داخل اولان تورپاق ساحه لری معاصر ایران کندینده حؤکم سوره ن ظلم، عدالتسیریلین موهوم منبیینی تشکیل ائدیر. بو بندلره داخل اولان تورپاقلارین فئودال و ایری مولکدارلارین الیندن آیینیب، یوخسول کندیلره پایلانماسی تورپاق مسئله سینین رادیکال حلینده بویوک انقلابی اهمیته مالیکدیر. لاکن مسئله بوراسیندادیر کی، ایری تورپاق صاحبلی اسلام رئسپوبلیکاسینین دولت آپاراتیندا ایسلام آدی آلتیندا ماسکالانمیش ایرتیجا قوملری ابله البیر اولوب آقرار اصلاحاتینا قارشی، خصوصیله اصلاحاتین فقره سوتونونو تشکیل ائدن «ج» و «د» بندلرینه قارشی جدی مقاومت گؤستره رک اونلارین حیاتا کچیریلمه سینه بوتون واسطه لرله مانع اولدولار. حتی بو ایکی بندین اصلاحات قانوندان چیخاریلماسینی تکیدله طلب اندرک بو طلبین بئرینه بئتیلمه‌سی اوچون هر جور فیتتکارلیغا ال آندیلار.

هالیو کی، تورپاق اصلاحاتی قانونونون مقام و اهمیتی بو ایکی بنده دیر. بو ایکی بند مولکدارلارین، ایری تورپاق صاحبلرینین زورلا اله کچیردیکلری تورپاقلار دئمکدیر. بو مسئله حل اولونمادان کئنده فئودالارین، اونلارین سؤیکندی اقتصادی و سیاسی دایاقلارینی داغیتماق مومکون دئییل. بو ایکی بند ایجرا ائدیلمه دن کندلینین تأمیناتی حاقیندا دانیشماق ابدیر. تصادفی دئییلدیر کی، متخصصلرین حسابلامالارینا گؤره، تخمیناً ۷ میلیون هکتار تورپاق ایری مولکدارلارین الینده قالمادیر. (۱۸)

گؤره خارجه قاچمیش ایری فئودالار و مولکدارلارا، روتبه و مقام صاحبلرینه مخصوص اولان و عمومیتله، شاه رژیمی ایله امکداسلیق ائتمیش شخصلرین تورپاقلاریدیر کی، بونلار اسلام رئسپوبلیکاسی طرفیندن واختیله مصادره ائدیلمیشدیر.

تورپاق اصلاحاتی قانونونون حیاتا کچیریلمه سینده ایری مولکدارلارین، فئودالارین و روحانیتین مرتجع جیناهینین جدی مقاومت و غضبینه سبب اولان «ج» (و یا «دایئر»)، «د» (و یا «دایئر») بندلریدیر. بو بندلره عائیذ اولان تورپاقلارین بویوک اکثریتی ایری فئودال و مولکدارلارا مخصوصدور. «ج» بندینه شامل اولان تورپاقلار، اساساً، موقتی استفاده سیز قالان، یعنی دینجه قویولان تورپاقلاردیسا، «د» بندینه نظرده توتولان ایسه حاضرده اکیلن ساحه لردیر. قانونون سون ایکی ماده‌سی، یعنی «ج» و «د» بندینه داخل اولان تورپاقلارین صاحبلی، اساساً، ایری و وارلی مولکدار و فئودالار، روحانلر، طایفه باشچیلاری، بویوک سرمایئ صاحبلی، تاجرلردیر. باشقا سؤزله، بو ایکی بنده صحبت ایری تورپاق صاحبلرینین علینده جملنمیش یارارلی، مونبیت و مهسولدار تورپاقلارین تقریباً دؤرده اوچ حیسه‌سینی تشکیل ائدیر.

اونا گؤره ده، دئمک اولار کی، تورپاق مسئله‌سینده کومیس‌سیانین بوتون ایشی اؤز قایداسیندا داوام انده بیلمیشدیر.

ایری تورپاق صاحبلی، اونلارا باغلی اولان مولکدار روحانلر کومیس‌سیانین ایشینه، عمومیتله، «ج» و «د» بندلرینین ایجرا سیندا، خصوصیله مانع اولموشلار. آقرار اصلاحاتی حاقیندا قانونون قبول ائدیلمه سیندن کئچن مدت عرضینده اولکه نین ۳۲ منطقه سینده موات و مصادره اولونموش تورپاق فوندلاری حسابینا تورپاقسیز و آرتورپاقلی کندیلره ۱، ۲۶۱ مین هکتار تورپاق ساحه سی وئرلمیشدیر کی، بونون دا چوخ حیسه‌سینی موات تورپاقلار تشکیل ائتمیشدیر. هم ده بیر قاید اولاراق سوواریلمایان، مونبیت اولمایان یاراسیز تورپاق ساحه‌لری اولان موات حسابینا تورپاق تورپاقسیز و آرتورپاقلی سیراوی کندیلره، موسادیره اولونموش محسولدار تورپاقلار ایسه، اساساً، کندله علاقه سی اولان اسلام انقلاب

### بیانید مثل چگوارا باشیم به مناسبت 50 مین سال مرگ دهشتناک مبارز آزادی و استقلال



سپس سخنان گنادی زیوگائف صدر حزب کمونیست فدراسیون روسیه آغاز شد وی درسرخانش چنین گفت: " در موقعیت های مختلف با فیدل کاسترو ملاقات داشته ام در یک جلسه بسته 8 ساعته در باره آینده سوسیالیسم تجدید عهد کردیم زیوگائف گفت: " خوشحال بودم" از این واقعیت که این جوانان در عصر ما و زمانیکه آمریکای ها ما را به جنگ هسته ای تهدید می کنند فیدل کاسترو، رائول کاسترو، چگوارا به حمایت از اتحاد شوروی پرداختند و اجازه ساخت سیستم های موشکی در کوبا را داده اند در نتیجه ایالات متحده متوجه شد که آسیب پذیر است و تهدید هسته ای بدون مجازات نیست

"گنادی زیوگائف اشاره نمود این " نمایشگاه منحصر به فرد است " از بهترینها انتخاب شده شما تولد فرزندی را در خانواده می بینید که موفق است او در سطح عالی دکتر شد و می خواست مردم را درمان کند اما به این نتیجه رسید درمان جذام سرمایه داری که در سیاره ما سراسری می شود ضروری است " زیوگائف یادآور شد چگوارا همراه رفقا سلاح بر اجراء عدالت برداشت او از مردم کار و شرافت دفاع کرد او به گسترش انقلاب اکتبر پرداخت اواز شعارها ایی استفاده می کرد که لنین بکار می برد "صلح برای مردم ! نان برای گرسنگان ! زمین برای دهقانان ! کارخانه برای کارگران ! قدرت حکومتی در دست شوراها ! امروز نیز این شعارها به درب خانه صاحبان حکومتی کوبیده می شود

در اینجا سفیر تام الاختیار و فوق العاده کوبا در فدراسیون روسیه « امیلیو لوزادا» تاکید نمود چگوارا همچون گذشته

9 اکتبر 2017 از طرف اتحادیه روزنامه نگاران مسکو انجمن "مرکز عکس" نمایشگاهی مربوط به رفیق فرمانده «ارنستوچه گوارا» انقلابی افسانه ای و از رهبران و دولتمردانی که زندگی خویش را در راه آزادی و استقلال آمریکا ی لاتین از دست داد برپا گردید. این نمایشگاه به مناسبت 50 مین سال مرگ چگوارا صورت گرفت در این نمایشگاه گنادی زیوگائف صدر حزب کمونیست فدراسیون روسیه شرکت فعال داشت.

این نمایشگاه از عکسهای 120 هنرمند عکاس درباره زندگی و سرنوشت رفیق چگوارا تشکیل شد و توسط هنرمند روس « آن. یوآوف» که با کار پر زحمت و خلاقانه ای همراه با آلبوم عکس و نوشته ها و مقالات در طول یکسال تنظیم گردیده بود؛ جمع آوری مقالات و نوشته ها با همکاری گنادی زیوگائف صدر و « ای. ای. ملنیکوف» معاون اول کمیته مرکزی فدراسیون روسیه می باشد.

درگشایش نمایشگاه نمایندگان دولتی، سازمانهای اجتماعی، جانبازان، سازمان وطن پرستان، نمایندگان و دبیرانهای کشورهای آمریکا لاتین، مسئولان فرهنگی، خبرنگاران، عکاسان، دانشجویان، و مسئولان دانش آموزی حضور داشته اند.

نمایشگاه به مناسبت فرا رسیدن 100 مین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر با همکاری حزب کمونیست فدراسیون روسیه در پیوند با اتحادیه روزنامه نگاران انجمن "مرکز عکس" هماهنگ گردیده بود.

آغاز مراسم با کلیپ ویدئویی آهنگ مشهور "خدا حافظ فرمانده" اختصاص یافت سپس «ای. ای. ملینوف» معاون اول حزب کمونیست فدراسیون روسیه درباره چگونگی برگزاری نمایشگاه، انتشار آلبوم عکس توضیحاتی داد وی اشاره نمود که این اولین پروژه کار مشترک بین حزب کمونیست و «آندره بوداوف» هنرمند می باشد برای نمونه در سال گذشته یک آلبوم عکس به مناسبت 90 سالگی فیدل کاسترو اختصاص داشت.

متأسفانه جوانان کمتر از زندگینامه مبارز انقلابی چگوارا شناخت دارند.

درنمایشگاه شخصیت‌های دیگری از رهبری حزب کمونیست فدراسیون روسیه حضور داشته‌اند. معاون کمیته مرکزی «یو. و آفونین» «د. گ. نوبکوف» عضو هیئت رئیسه دبیر حزب کمونیست «ک. ب. تاپسوو» و دیگر دبیران حزب کمونیست فدراسیون روسیه «ام. و. دوباوت» «و. پ. اس کوف» و «ام. س. کاسترویکوف» می‌باشد.

برگردان: م. چابکی 21 مهر 1396 برابر با 2017/10/13  
منابع روزنامه پراودا «روسولان تاهاگوشیف» سایت حزب کمونیست فدراسیون روسیه همراه با تصاویر ویدئویی عکسها

### سخنی چند در باره فن مبارزه اجتماعی مبارزه اجتماعی چیست؟

مسالمت آمیز و روش قهار آمیز، سریت و علنیت و غیرو و غیره. بر حسب شرایط زمان و مکان در هر لحظه معین یکی از این دو قطب عمده میشود. یافتن تناسب صحیح دیالکتیکی بین قطبین و انتقال بموقع از یک قطب به قطب دیگر یکی از دشوارترین وظایف است که فقط و فقط یک نیروی هدایت کننده مجرب و خردمند بر اساس تحلیل علمی فاکتها بتواند آنرا بیابد و لا غیر عمده گرفتن قطب غیره عمده و بر عکس، یا نوسان در میان دو قطب به امر مبارزه زیان شدید می‌زند.

مبارزه اجتماعی مبارزه ایست مرکب از کامیابی و نا کامی، شکست و فتح، توقف و تعرض، پیشروی و عقب نشینی، تجارب لازم مثبت و منفی را برای کسب قدرت بیشتر در مرحله آتی نبرد گرد آورد و از این تجارب بهره برداری نمود زیرا تکرار تجربیدی تجارب بی فایده است. اگر هدف درست باشد، سازمان محکم، رهبری صحیح، مبارزه سنجیده و پیگیر، از حوادث بدرستی عبرت اندوزی شود در طول مدت پیروزی حتمی است.

اشکال مبارزه

مبارزه یا بین دونیروی متضاد آشتی ناپذیر (آنتاگونیستی) است یعنی نیروهایی که از جهت تاریخی آشتی ناپذیرند.

نمونه باقی ماند؛ بنابراین «بیانید شبیه چه» باشیم زیرا این شعار برای جوانان کوبا مناسب تر است

در ادامه سخنرانی ها، خدمات رفیق فرمانده " تعهد به آرمان های انقلابی" بود که نتیجه گفتن شرکت کنندگان سفیران تام الاختیار در فدراسیون روسیه که شامل جمهوری بولیواری ونزولا «کارلوس رافائل فاریا تورتوس» نیکاراگوئه «خوان ارنستو واسکس» می شد مورد تائید قرار گرفت.

در پایان رئیس انجمن "مرکز عکس" از اتحادیه روزنامه نگاران فدراسیون روسیه «و. ای. نیکی فورف» یاد آور گردید که نمایشگاه بعدی به ادامه زندگینامه ارنستو چگوارا اختصاص داده می شود در این رابطه رهبر ونزولا اوگو چاوس گفته بود

مبارزه یکی از اشکال عمده پراتیک اجتماعی انسانی است. مبارزه یعنی تلاش به اشکال گوناگون از مسالمت آمیز تا قهر آمیز برای از میان برداشتن موانع و هموار ساختن جاده پیروزی آن امر و هدفی که در شرایط معین فائق نیست. اگر این مبارزه برای پیروزی امر و دفاع از آن باشد مبارزه، مبارزه ایست مترقی و وقتی این مبارزه برای پیروزی یا حفظ امر کهنه باشد مبارزه، مبارزه ایست ارتجاعی. مبارزه اجتماعی دارای فنی است که استراتژی و تاکتیک نام دارد. و همانطور که باید موازین و قوانین اساسی رهبری علمی حزب و نهضت را آموخت (رجوع کنید به ماهنامه مردم شماره مرداد 1344) هم‌منظور هم باید این فن را فرا گرفت و قواعد و موازین آنرا دانست و الا این کاری نیست که سرسری بتواند سرانجام گیرد و با اتکا «حسن تصادف» به نتیجه برسد.

قطب های متضاد مبارزه

مبارزه اجتماعی پروسه ایست بسیار بخرنج، مرکب از قطب های متقابل مانند تعرض و عقب نشینی، نرمش و قاطعیت، سازش و سرسختی، جسارت و حزم، شکیب و شتاب، تدریج و تسریع، کار آشکار و کار پنهان، روش

عبارتست از مبارزه تئوریک، مبارزه اقتصادی، مبارزه سیاسی و اجتماعی. شکل عمده مبارزه تئوریک عبارتست از پولمیک، شکل عمده مبارزه اقتصادی عبارت از مبارزات مطالباتی است. مبارز سیاسی و اجتماعی بر حسب تنوع شرایط گاه بشکل مسالمت آمیز مبارزات انتخاباتی و تظاهراتی، گاه به شکل قهر آمیز قیام و جنگ های رهایی بخش در می آید. هر یک از عرصه های مبارزه دارای موازین خاص خویش است. هیچیک از عرصه های مبارزه را نمی توان مطلق کرد و مبارزه یک حزب را تنها در تنوع ترین و ذوجوانب ترین اشکال آن میتواند یک مبارزه قوی و موثر تاریخی باشد.

تیپ و شیوه مبارزه بسته به چیست؟

فراز و نشیب مبارزه و بکار بردن شیوه های مختلف و تیپ آن بستگی به دو عامل دارد. وضع خودی و وضع دشمن. وضع خودی یا نیروهای مترقی مبارزه از لحاظ قدرت صفوف، عوامل مساعد و نا مساعد ملی و بین المللی باید دقیقاً مورد سنجش قرار گیرد. مبارزه میتواند با سرعت یا بطنی پیش رود، دورانی عمل کند یا بشیوه مقابله و رو در رو (فرونال)، این چهار شکل اساسی و ترکیب آنها بستگی به آن شرایط پیش گفته دارد. در صورتیکه بررسی نشان دادکه نیروی خودی در مجموع ضعیف و نیروی دشمن در مجموع قوی است، باید با احتیاط و بشیوه دورانی و مانور و روش تدریج عمل کرد. در غیر این صورت کار به ماجراجویی می کشد. در صورتی که بررسی نشان داد که نیروی خودی در مجموع قوی تر و نیروی دشمن در مجموع ضعیف است، باید با جسارت و سرعت بشیوه رو در رو و قاطع عمل کرد. در غیر این صورت کار به اپورتونیزم میکشد. نباید شیوه قاطع (رادیکالیسم) و شیوه تدریج (رفورمیسم) را مطلق کرد و آن را همیشگی و دائمی دانست. یک نیروی مجرب و عاقل جایی انقلابی عمل می

و یکی مظهر نو و دیگری مظهر کهنه است و یکی باید جای دیگری را در تاریخ بگیرد و یا آنکه مابین دو نیرویی است که در جهت مشترک تاریخ عمل می کنند و تضاد آنها لا اقل در دوران معین در یک سنتز عالیتر قابل آشتی و ترکیب است. این دو نوع مبارزه از لحاظ کیفیت با هم تفاوت دارند. مبارزه مابین نیروهای انقلابی و مترقی با نیروهای محافظه کار و ارتجاعی مبارزه ایست ما بین قوای سازش ناپذیر. ولی اختلافاتی که در درون نیروهای انقلابی و مترقی در می گیرد و مبارزه ای که این اختلاف ناشی می شود، از نوع دوم است. البته این دو نوع تضاد که از جهت کیفی مختلف هستند، دارای مرز قاطعی نیستند و در زندگی و واقعیت زنده طیف متصلی وجود دارد که در یک قطب آن عمیقترین تناقضات آشتی ناپذیر قرار دارد و در قطب دیگر آن سطحی ترین اختلافات حل شدنی و آشتی پذیر. قاعده کلی که میتوان ذکر کرد، آنست که بر حسب درجه عمق اختلافات باید شیوه مبارزه تغییر کند. معمولاً قاعده مبارزه در مورد اختلافات آشتی ناپذیر عبارتست از تکیه بر روی مبارزه، تکیه بر روی تضاد؛ عبارت است از افشاء تناقضات، حاد کردن و تعمیق تناقضات، نبرد بی امان تا نیل به غلبه و پیروزی و اما در مورد اختلافات آشتی پذیر عبارت است از تکیه بر روی وحدت با کوشش برای حل تضاد. عبارت است از بر ملا کردن نکات اختلاف، انتقاد و کوشش براین نیل به یک سنتز عالیتر که موجب اتحاد عمیقتر شود. هیچ نسخه از پیش تنظیم شده ای نمیتوان برای حل این یا آن نوع مبارزه بدست داد و این مسئله ایست که باید با توجه به اصول ذکر شده در عمل و بشکل کنکرت حل شود.

عرصه های مبارزه

مبارزه به دو صورت عمده طبقاتی و مبارزه ملی و نژادی در می آید و در هر صورت میتواند مسالمت آمیز و یا قهر آمیز باشد. عرصه های عمده مبارزه طبقاتی

عمل باشد. مناسب با هدف های استراتژیک و تاکتیکی شعارهای استراتژیک و تاکتیکی به میان می آید. علاوه بر این شعارهای استراتژیک و تاکتیکی، شعارهای عملی هم وجود دارد که برای این بخش یا آن بخش مشخص مبارزه روزانه است. مسئله تعیین مراحل تاکتیکی و شعارهای آن، و شعارهای درست عمل که قدرت تجهیز داشته باشد، مسئله ای است دشوار و تنها بر اساس شناخت درست جامعه معین و سنن و روحیات و آرایش طبقاتی و گرایش های رشد و غیره آن جامعه، میتوان این معضل را بدرستی حل کرد. هرج و مرج و سوء تشخیص در این زمینه به نتایج شوم منجر می گردد.

مسئله مرزبندی و تشخیص و تجزیه نیروها

(دیاگنوستیک نیروها)

در هر مبارزه ای نتیجه حاصله مربوط تناسب قوایی است که در مبارزه واردند. لذا یکی از نکات مهم فن مبارزه بررسی تشخیص درست آرایش و تناسب قواست. باید نیروی طرفدار و نیروی مخالف و نیروی بیطرف را بدرستی تشخیص داد. در نیروی بیطرف نیز باید نیروی بیطرف خنثی و بیطرف مساعد و بیطرف نامساعد را از یکدیگر جدا کرد. قاعده اساسی و طلایی در هر مبارزه عبارت است از نیل به تجمع حد اکثر نیرو علیه دشمن و منفرد کردن هرچه بیشتر آن. برای این منظور باید کلیه نیروهای طرفدار را متحد کرد. نیروهای بیطرف مساعد و خنثی را به مبارزه جلب نمود. نیروهای بیطرف نا مساعد را در موضع بیطرفی نگهداشت و مانع شد که به نیروی دشمن بپیوندند و نیروی دشمن را تجزیه کرد و سرسخت ترین آنها را منفرد کرد و از صحنه دور ساخت. این مسئله مرزبندی و تشخیص قوا مهمترین نکته در مبارزه است و لازمه حل صحیح آن داشتن دید درست و تجربه است. روشهای سکتاریستی که منجر به انفراد نیروهای انقلابی می شود مضرترین روش ها در امر مبارزه است. انقلابیون «ناسازگار» فقط با کسانی که با

کند، جایی رفرمیستی. به این مناسبت بسیار بجاست نقل قول جالبی از لنین، یکی از بزرگترین تاکتیسین های انقلاب بیاوریم:

«برای انقلابی واقعی بزرگترین خطر و شاید تنها خطر عبارتست از اغراق در انقلاب، فراموش کردن حدود و شرایط بکار بردن موفقیت آمیز این شیوه های انقلابی. انقلابیون واقعی وقتی شروع کردن انقلاب را با حروف برجسته بنویسند؛ و «انقلاب» را به چیزی الهی مبدل کنند، وقتی شروع کردند گنج شدند و استعداد درک این نکته را که در چه لحظه ای و در چه شرایطی و در چه رشته عملی باید توانست بشیوه رفرمیستی پرداخت، به نحوی که هر چه خردمندانه تر و هشیارانه تر، از دست دادند، در این کار گردن خود را شکاندند». (کلیات - ج 33 صفحات 86 - 87، مقاله در باره اهمیت طلا)

هدف ها و مراحل استراتژیک و تاکتیک

هر مبارزه ای باید دارای هدف های روشن علمی، واقعی و قابل حصول از جهت تاریخی باشد و الا آن مبارزه، تلاش عبثی است. هدف ها را معمولا بدو دسته تقسیم می کنند، هدف های نهایی که هدف استراتژیک نام دارد و دوران معین [استراتژیک] تکامل مبارزه را در برمی گیرد. مثلا برای تبدیل جامعه از سرمایه داری به سوسیالیسم باید یک دوران استراتژیک را طی کرد. هدف های استراتژیک را باید بر اساس تحلیل علمی جامعه، صرف نظر از مشکلات وصول بدان و با جسارت مطرح ساخت. این هدف ها باید روشن و بدون ابهام باشد تا رزمنده بدانند با چه موافق است یا با چه مخالف. اما برای نیل به هدف استراتژیک باید مراحل تاکتیکی را گذراند و متناسب با این مراحل باید هدف های تاکتیکی را مطرح ساخت. اینجا باید کلیه شرایط موجود، کلیه مشکلات، کلیه بعلاوه ها و منها را در نظر گرفت. قوای خود و دشمن را سنجید و آنچه اهدافی را در برابر نهاد که از جهت تاکتیکی یعنی برای دوران کوتاه واقعا قابل



گونه تفرقه ای ارتجاعی است و اصل دربین قوای مخالف تجزیه آن قوا و ایجاد تضاد بین آنهاست.

پیش بینی حوادث (پروگنوستیک)

یکی از شرایط موفقیت مهم موفقیت در مبارزه قدرت پیش بینی حوادث، دیدن گرایشهای نهان، داشتن قدرت تجسم و تصور علمی آینده ای که اکنون وجود ندارد و سمت گیری در جهت این آینده است. بدون تردید پیش بینی علمی فقط تحلیل عمیق و عینی واقعیت، با داشتن تجربه و شم اجتماعی میسر است. والا کسی را اطلاع بر مغیبات میسر نیست. خاصیت پروگنوستیک صحیح از حوادث آنست که شخص مبارز یا ستاد رهبری کننده مبارزه میتواند تاکتیک هایی را بکار برد که اثر بخشی آن طولانی است و خود را برای چرخش حوادث آماده کند و از غافلگیر ماندن جلوگیری بعمل آورد. زیرا مهمترین بلیه مبارزه غافلگیری است. یعنی دچار شدن ناگهان و بدون تدارک قبلی بیک وضع. تشخیص صحیح قوای متخاصم و پیش بینی صحیح مراحل آتی مبارزه، شرایط حتمی پیروزی در مبارزه است.

تدارک برای سخت ترین، آمادگی برای بدترین

اگر گردانندگان مبارزه بر روی سهولت مبارزه و مساعدت بخت حساب کنند، به پیروزی در هر مرحله نبرد مطمئن باشند، با دل آسودگی کار کنند. دشوار است که بتوانند فاتح شوند. تنها سازمانی که برای سختترین صحنه های مبارزه تدارک لازم را داشته باشد و برای بدترین وقایع آماده شود، میتواند از مبارزه پیروز در آید.

ترصد، تعرض، عقب نشینی

سه مقوله ترصد، تعرض، عقب نشینی از مقولات مهم مبارزه است. تشخیص زمان از این سه مقوله اهمیت فراوان در پیروزی دارد. باید هر سه فن، فن شکیب و ترصد برای وصول روز مساعد، فن عمل سریع و شدید و قوی وقتی شرایط مساعد رسیده است. فن برون کشیدن قوا از میدان، وقتی اوضاع به زیان انقلاب دگرگون شده

تمام هدف ها و شیوه ها و روشهای آنها موافقت، حاضرند هم‌رزم شوند. این امر منجر به آن می شود که به جای افراد دشمن، افراد نیروی انقلابی حاصل آید. در عین حال نرمش در جلب قوا نباید منجر به آن شود که مرز بین دوست و دشمن از میان برود و ابهام در صف بندی ها برقرار شود. زیان این خطا از زیان خطای اول کمتر نیست. زیرا خطر از میان رفتن خود هدف مبارزه را تشدید می کند.

جامعه در تحول است. آرایش طبقاتی و سیاسی در تحول است. باید توانست این تحول را درک کرد و آن نیرویی که تا دیروز دشمن و ذخیره نا مساعد بود و امروز بی طرف و یا حتی مساعد شده است بموقع تشخیص داد و همچنین بر عکس.

مسئله تجزیه قوای دشمن و استفاده از اختلافات بین آنها دارای اهمیت تاکتیکی غیر قابل تردیدی است. برخی عناصر سکتاریست این نوع اختلافات را مهم نمی شمارند و آن را بکلی رد می کنند. لنین در این باره می نویسد: «غلبه بر دشمن طبقاتی ممکن است تنها از راه استفاده حتمی، دقیق، با مواظبت، احتیاط آمیز، ماهرانه همه، حتی کمترین شکاف بین دشمن، انواع گروهها و انواع بورژوازی در داخل کشورهای مختلف ... کسی که این را نفهمد، از مارکسیسم و از سوسیالیسم ذره ای و اصلا چیزی نفهمیده است» (0 کلیات روسی، جلد 31 صفحه 52).

لنین همچنین میگوید:

«باید بین «نمایندگان عاقل بورژوازی و دولت» و «عناصر ماجراجو» از جهت برخورد فرق گذاشت».

(کلیات - جلد 33 صفحه 114).

نکته دیگری که در همین زمینه باید گفت آنست که اصل در میان نیروهای دوست و بیطرف مساعد تکیه بر روی وحدت است. بقول مارکس در میان نیروهای انقلابی هر

یکباره بهمه کار نمی توان دست زد. باید گروه مشکلات را طوری ردیف بندی کرد که حل یکی شرط حل دیگری باشد و سپس آنها را از سر راه برداشت. در باره نکات دیگر فن مبارزه باز هم می توان سخن گفت ولی ذکر موازین اساسی فوق، تصور لازم را از چگونگی مسئله بدست می دهد. اگر سازمان انقلابی دارای رهبری نیرومند و خردمند باشد، صفوف خود را منضبط کند، به برنامه درست اجتماعی مجهز باشد، مبارزه را بدرستی هدایت نماید. قادر است در فراز و نشیب حوادث پیروز شود.

۱. طبری ماهنامه مردم شهرپور 1344

است را آموخت. هر سه فن بسیار مشکل و بسیار حیاتی است. ولی نه فقط تعرض و عقب نشینی، دوران ترصد نیز دورانی است پر از عمل. در این دوران باید برای نیروهای آتی از هر باره و در هر زمینه آماده شد. یعنی درصد یک سازمان انقلابی، درصد فعال است نه منفعل و پاسیف و یا بصورت یک انتظار لخت و خالی از عمل.

تقسیم مشکلات به گروه ها و حل طبق گروه

در جریان مبارزه نیروی انقلابی به کرات با هجوم انواع مشکلات روبرو می شود. باید مشکلات را به گروههای مختلف تقسیم کرد و آنها را بر حسب اهم فالاهم حل کرد.

### 78 درصد اعدام های جهان در 4 کشور از جمله در ایران

اعدام کمک ناچیزی به قربانیان و یا بازدارندگی از جرایم می کند

سازمان حقوق بشر ایران به مناسبت «روز جهانی مبارزه در راه لغو اعدام» اعلام کرده است که از ابتدای سال ۲۰۱۷، ۴۳۵ نفر در ایران اعدام شده اند. رسانه های داخلی اما از این تعداد فقط ۸۳ اعدام را اعلام کرده اند.

به گفته آنتونیو گوترش برخی از دولت ها اعدام ها را پنهان می کنند و یک سیستم پیچیده برای پنهان کردن اعدامی ها و علت اعدام آنها به وجود آورده اند. دبیرکل سازمان ملل خواستار شفافیت کشورهای شد که در آنها مجازات اعدام قانونی است و از آنها خواست تا به وکلا اجازه دهند کارشان را انجام دهند.

پیش از این گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران اعلام کرده بود که در سال ۲۰۱۴، ۹۶۶ نفر در ایران اعدام شده بودند. این تعداد بالاترین رقم اعدامی ها در ایران در ۲۰ سال گذشته بوده است.

سازمان حقوق بشر ایران گزارش داده بود که در سال ۹۵ در مجموع ۶۷۱ زندانی اعدام شده اند.

تخمین زده می شود که از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون بیش از ۶۱ هزار نفر در ایران اعدام شده اند.

جمهوری اسلامی ایران تا کنون بیش از 61 هزار نفر را اعدام کرده است. تنها در سال 1367 هزاران نفر به جرم دگر اندیشی پنهانی اعدام و در گورهای دستجمعی دفن شده اند.

در این رابطه دبیر کل سازمان ملل در سخنانی که به مناسبت روز جهانی مبارزه در راه لغو اعدام ایراد کرد، از کشورهای که هنوز مجازات اعدام را اعمال می کنند خواست که به ۱۷۰ کشوری که مجازات اعدام را متوقف کرده اند بپیوندند. او گفت در قرن بیست و یکم مجازات اعدام جایی ندارد.

ماه گذشته ماداگاسکار و گامبیا مجازات اعدام را لغو کردند و به ۱۷۰ عضو دیگر سازمان ملل متحد پیوستند. آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل در اجلاسی که سه شنبه ۱۰ اکتبر به مناسبت روز جهانی مبارزه در راه لغو اعدام در نیویورک برگزار شد اعلام کرد که تنها چهار کشور، مسئول ۸۷ درصد اعدام ها در سراسر جهان اند.

این چهار کشور عبارتند از ایران، چین، عربستان سعودی و عراق.

آنتونیو گوترش خطاب به کشورهای که همچنان مجازات اعدام را اعمال می کنند گفت:

«من می خواهم از تمام کشورهای که به این اقدام وحشیانه ادامه می دهند بخواهم که اعدام ها را متوقف کنند. به نظرم

## پیام رضا شهابی از زندان رجایی شهر



کارگری اعتراض کرده اند کمال قدرانی و تشکر را دارم. همچنین از کلیه تشکلات بین المللی کارگری از اقصی نقاط جهان که با ارسال نامه های اعتراضی به مقامات حکومتی خواهان آزادی بدون قید و شرط اینجانب و دیگر کارگران زندانی شده اند بسیار سپاسگزارم.

انیت و آزار من و خانواده ام از سال ۱۳۸۹ که ماموران لباس شخصی مرا در حین رانندگی و در حضور مسافران به اتهام ساختگی سارق مسلح دستگیر کردند تا امروز لحظه ای متوقف نشده است. ۱۹ ماه در سلول انفرادی بازداشتگاه ۲۰۹ زندان اوین تحت بازجویی های طولانی مدت و شدیدترین برخوردهای فیزیکی، روحی و روانی بودم و چندین بار تهدید به اعدام شدم. در این سال ها بارها عمل جراحی و معاینه و مداوای پزشکی داشته ام و به دفعات مجبور گردیدم که برای رساندن صدای حق خواهی ام دست به اعتصاب غذاهای طولانی بزنم. برای چی؟ چرا یک کارگر باید به دلیل دفاع از حقوق ابتدایی خود و همکارانش اینچنین آزار ببیند و سلامتی خودش و خانواده اش به خطر بیافتد؟ تصور کرده بودند که با این اعمال سرکوبگرانه و ایجاد رعب و وحشت می توانند سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و دیگر تشکلات کارگری مستقل را مرعوب کنند و سرجایشان بنشانند. اما هیچگاه اینچنین نشد و نخواهد شد. مادام که کارگران را استثمار و بی رحمانه سرکوب می کنند، حق کارگران را بی مهابا پایمال می کنند و در عین حال سرمایه داران و اختلاس گران و غارت گران اموال عمومی را مورد حمایت قرار می دهند؛ تشکل و اعتراض و اعتصاب خواهد بود.

وضعیت من کماکان ناروشن است و با وجود وعده های مقامات برای پایان دادن به این وضعیت، کماکان در حبس و بدون مراقبت پزشکی مناسب به سر می برم. حمایت همبندان محترم، خانواده عزیزم، همسر بزرگواریم و همکاران زحمتکش سندیکای کارگران شرکت واحد و نیز حمایت کارگران و مدافعین حقوق کارگری و انسانی در ایران و در سطح بین المللی تنها ضامن آزادی من و دیگر همقطاران در بند خواهد بود.

پیروز باشید

رضا شهابی

زندانی رجایی شهر-کرج

۱۳۹۶/۰۷/۲۶

رضا شهابی متولد سال ۱۳۵۲ شبستر یکی از شهرهای آذربایجان شرقی، فعال کارگری و زندانی سیاسی است.

وی در زمستان سال ۸۳ به همراه چند تن دیگر از کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را تأسیس کردند. شهابی در خرداد ۱۳۸۴ به عضویت هیئت مدیره سندیکا انتخاب شد. بازگشایی سندیکای شرکت واحد که اولین تلاش موفق کارگران پس از سرکوب های دهه شصت در ایجاد تشکل مستقل کارگری محسوب می شد، از ابتدا با مخالفت حکومت و اعضای تشکل غیردولتی خانه کارگر، مواجه شد. در مقابل، کارگران به دفاع از تشکل خود برخاستند. در این میان می توان به اعتصاب کارگران شرکت واحد در زمستان ۱۳۸۴ اشاره کرد که به دنبال دستگیری منصور اصنانلو رئیس هیئت مدیره سندیکا اتفاق افتاد. در پی این اعتصاب، نیروهای امنیتی به منازل برخی از کارگران شرکت واحد هجوم برده و علاوه بر کارگران تعدادی از اعضای خانواده های آن هارا نیز بازداشت کردند. مدت کوتاهی پس از این اعتراض کارگری تعدادی از اعضای سندیکای واحد از جمله رضا شهابی از کار اخراج شدند. به گفته کمیته دفاع از رضا شهابی، این عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه در دادگاه انقلاب اسلامی تهران که به ریاست قاضی صلواتی برگزار شد، به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به یک سال و به اتهام «تباتی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» به پنج سال زندان هفت میلیون تومان جریمه محکوم شده است. رضا شهابی در حالی به اتهام های امنیتی به زندان و محرومیت از فعالیت های سندیکایی متهم شده است که فعالیت او محدود به اقدامات صنفی بود.

این فعال کارگری همچنین از بیماری های جسمی متعددی رنج می برد و امکان فلج شدن نیمی از بدن او وجود دارد. در این ارتباط، رضا شهابی در اوایل آذرماه به بیمارستان منتقل شد تا تحت عمل جراحی قرار گیرد، اما پس از چند روز به زندان بازگردانده شد. این در حالی است که پزشکان معالج وی گفته اند که او به مرخصی پزشکی و نیز عمل جراحی نیاز مبرم دارد.

علاوه بر رضا شهابی، ابراهیم مددی، نایب رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، نیز از سال ۸۶ تاکنون به اتهام امنیتی زندانی است همچنین فعالان کارگری دیگری مانند شاهرخ زمانی و بهنام ابراهیمزاده به اتهام های امنیتی زندانی هستند.

رضا شهابی بعد از اعتصاب غذای طولانی خود، از زندان رجایی شهر پیامی فرستاده و ضمن قدردانی از حمایت های گسترده تاکید

کرده است، که وضع او کماکان ناروشن است و تنها ادامه ی مبارزات و اعتراضات می تواند باعث آزادی او و دیگر کارگران زندانی شود.

با گرمترین درودها

بدینوسیله از تمامی کارگران، اعضای سندیکا، دانشجویان، فعالین اجتماعی و خانواده ها و انسانهای آزاده که به حبس ناعادلانه من و دیگر فعالین



بالاش آذراوغلو

## تبریز

چوخ زامان کدرلی گورموشم سنی،  
یادیندا وارمیدیر او حالین، تبریز؟!  
ایندی او گونلردن اوزاقسان داها،  
آرتیبیر شووکتین، جلالین، تبریز!  
بیر قودرت دویورام دوغما سسیندن،  
سینمی قیزدیردین گور نفه سیندن.  
حیات کیتابی نین صحیفه سیندن  
سیلینیب حسرتین، ملالین، تبریز!  
او گون کی، سینهنی سیپر ائیلهدین،  
قارائلیق گنجهنی سحر ائیلهدین،  
بیزه آزدلیغی خیر ائیلهدین  
سسینه سس وئردی ماهالین، تبریز!  
من چوخدان وئرمیشم سنه قلبیمی،  
ایسته سن آل بیر ده سینا قلبیمی،  
قویما یاد اللرده سینا قلبیمی،  
داها قایتما سین زاوالین، تبریز!  
بیزده مقدس دیر آنانین آدی،  
شاهلار، حؤکمدارلار بونو قانمادی.  
هر ایل اوردو چکیب سنی تالادی،  
آرتدی دردین، قمین، خیالین، تبریز!  
اگر آتیلسا دا اودلارا یوردوم،  
آنجاق ایلمهدی بادلارا یوردوم.  
دؤزدو هر چتینه، هر دارا یوردوم.  
یاردی قارائلیغی هیلالین، تبریز!  
اوشاکن دندیلر آذر آنانیدیر،  
اودلاردان دوغدوغوم ائله ایاندیر.  
بیزه بؤهتان آتان یازینی قانیدیر،  
جاوابسیز قالماییب سوالین، تبریز!  
بو ائلر یانیندا آند ایچیرم من،  
خالقین آرزوسودور قلبیمن کنچن.  
من ایلهام آلمیشام هر زامان سندن،  
دونیلار قدردیر کمالین، تبریز!  
تبریز، 1945



تارینل امید

## ایرانی مهاجرلر جمعیتی ادبی بیرلینین صدری

## اودلار دیاریندا

بو داغلاری تانیرام.  
بو داغلارین هر داشینا  
ککلیکلرین آیاغیندا  
خینا دوشوب.  
شعلاله سی دره لرله پنجه لشیب،  
بلبل دینیب، گل اوپوشوب.  
بو داغلارا یاغیش یاغیب،  
نارین-نارین.  
بیزدن اوزاق اولدوزلارین  
تیسومی دئیم اونا؟  
بو حیاتی درک اتمه دن  
پاشاماغین نه معناسی...  
آنا-آنا!  
سنین حقین آزدلیغین  
امید اولوب.  
باخیشلارین امید بولو،  
اولدلارین ایگید اولوب،  
اولدینا دوشلریندن  
سود وئرمیسن.  
گوزلریندن، اود وئرمیسن.  
وطنه ده آنا دئییب،  
بیر مقدس آد وئرمیسن.  
سن آناسان،  
سن وطنسن.  
قوی من دئیم وطن-آنا!  
ایندی سنین، اولدلارین  
معشل کیمی یاتا-ایانا،  
خسارته فلاکه ته،  
قیلینج چکیب.  
آزدلیغین سین اوسته  
قوجاق-قوجاق  
اولدوز توکور.  
وطن داها ده اینله سن،  
نه تاپدالان!  
سن کی، اودلار دیاریسان،  
قوی الووا دونسون بالان!